

میرزا مهدی خان استرآبادی و تاریخ جهانگشای نادری

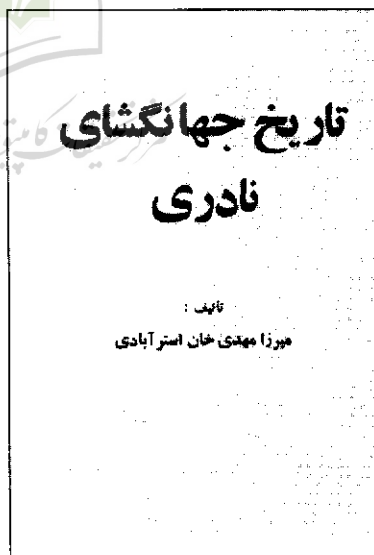
• نادر پروین

افشاریه، به خصوص حوادث همزمان با نادرقلی افشار مؤسس سلسله افشاریه به دست داده است.

منابع از دوران کودکی میرزا مهدی چیزی نمی‌گویند، آنچه از آثار وی برمی‌آید، این است که او خود را محمد مهدی بن نصیر استرآبادی می‌نامد و بی‌شبهه این همان نام صحیحی است که وی بدان اشتهار داشته و در جای جای آثار خویش به آن اشاره می‌کند.^۱

میرزا مهدی اهل استرآباد بوده و پیشینه خدمتش به دوران شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۳۵-۱۱۰۵ ه.ق) و تهماسب دوم صفوی (۱۱۴۵-۱۱۳۵ ه.ق) بازمی‌گردد که مقام منشی‌گری داشته است.^۲ او که بی‌شک مانند همه ساکنان شهر اصفهان صدمات بسیاری در خلال هشت سال بحرانی (۱۱۴۲-۱۱۳۵ ه.ق) محاصره و سپس تسلط افغان‌های غلزایی تحمل کرده بود، در فردای بیست و سوم ربیع‌الثانی سال ۱۱۴۲ ه.ق. که سردار فاتح ایران - نادر - ساکنان مصیبت دیده ورنج کشیده‌آن را می‌نواخت و به قول خود میرزا: «بعد از آنکه خاک اصفهان به یمن قدم میمنت لزوم همایون، حکم سمره سلیمانی یافت و پرتو طلعت مهد آثار والا بر در و دیوار آن دیار انداخت»،^۳ چهره‌ای تازه یافت و با تقدیم عریضه‌ای که به تقرب تهنیت تسخیر اصفهان به خدمت اقدس نوشته بود، موقع جدیدی دست و پا کرد.^۴

او بعد از ورود به خدمت نادر، به طور فعالانه در مهمات شغل خویش «مورخ و منشی» عمل می‌کرده و در همه جا به «ضبط وقایع مأمور» بوده است. در حقیقت کاری که بر عهده میرزا نهاده شده بود همان بوده که حوادث متعدد دوران نادری را ثبت کند.^۵



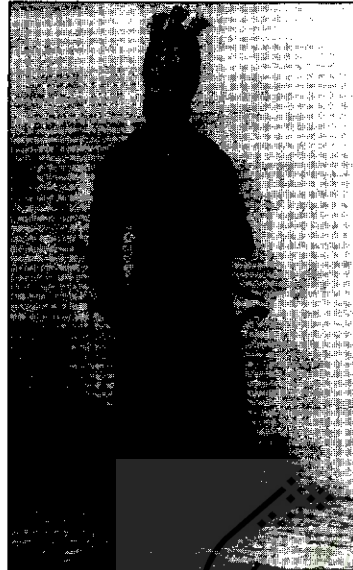
■ جهانگشای نادری

■ مؤلف: میرزا مهدی خان استرآبادی

■ ناشر: دنیای کتاب، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸، ۵۵۰ ص، ۱۸۰۰ ریال

کتاب تاریخ جهانگشای نادری، در دوره افشاریه توسط میرزا مهدی خان استرآبادی تألیف شده است. مؤلف در این کتاب با پیروی از سبک و شیوه شهاب‌الدین عبدالله شیرازی معروف به وصاف الحضرة در کتاب تاریخ و صاف اطلاعات دسته اولی در مورد سلسله

▼ نادر شاه افشار



تاریخ جهانگشای نادری حاوی اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ رخداد‌های زمان افشاریه، از جمله حوادث مربوط به شورش افغانه و استیلاي آنها بر اصفهان، سانحه هرات، آشوب‌های مختلف، شرح حوادث شوراي مغان و به سلطنت رسیدن نادر و حوادث مختلف زمان او و ذکر مختصری از سلطنت علی قلی خان و ابراهیم خان و حوادث زمان ایشان است

سیاست خارجی او را تأیید می‌کند و لشکرکشی‌های او را به آسیای مرکزی و داغستان اقداماتی تدافعی جلوه‌گر می‌سازد. حتی نقش توده‌های مردم را در مبارزه با افغانه و ترکان نادیده می‌گیرد و رها می‌داند. ایران از چنگ افغانه رادریست مرهون کوشش نادر می‌داند.

در واقع میرزا در جهانگشای نادری از پرداختن به درد و رنج زندگی مردم آن روز خودداری کرده است. البته نام کتاب مبین آن است که به «جهانگشایی»های نادر اختصاص دارد، نه شکست‌ها و ناکامی‌های او و نه درد و رنج مردم. میرزا اگر هم به عنوان نمونه به درد و رنج مردم اصفهان در هنگام محاصرهٔ افغان‌ها اشاره کرده، این اشاره تا حدود زیادی برای بزرگ جلوه دادن نجات آنها توسط نادر قلی افشار و نه همدردی محض با آن مردم رنج‌دیده بوده است.

وی هنگامی که به شرح لشکرکشی‌های نادر به هندوستان می‌پردازد، تمام بار مسئولیت‌ها را متوجه محمدشاه گورکانی می‌داند. حتی چنین می‌نماید که مورخ نادر می‌خواهد خشونت رفتار پادشاه ایران با شاه گورکانی را تخفیف دهد و با ذکر عباراتی ملایم از رعونت رفتارها بکاهد: «در حینی که پادشاه ذبیحاه (محمد شاه) عازم دارالامان حضور اقدس بود، به مراعات نسبت ایلی که فی ما بین حضرتین تحقیق داشت از جانب ضل‌اللهی شهزاده نصرالله میرزا تا خارج اردوی همایون به استقبال آن پادشاه فرخنده خصال مأور و...»^{۱۲}

میرزا در لایه لای کتاب، از مقدمه تا آخر با عبارات: همایون خان اعلی حضرت، سکندر حشمت‌دارا زحمت کش طریق نام و ننگ، مظهر قدرت الهی و... سرور خود را می‌ستاید.^{۱۳}

در سال ۱۱۴۸ ه.ق. یعنی هنگامی که ملک بر نادر مسلم شد، در شمار تغییراتی که در ارکان عمدهٔ کشوری پدید آمد، میرزا مهدی را به رتبه «منشی الممالکی» سرفراز نمود.^۶

میرزا مهدی بزرگترین منشی و نویسنده عهد خود در ایران بوده و سبک او در انشاء، ادامه روش مترسلان و مؤلفان متصنع قرن ۷ و ۸ هجری خاصه و صاف الحضره است.^۷ تخلص او به کوبک بیشتر از همه مبین قریحهٔ شاعرانه میرزا است.^۸ ظاهراً میرزا در سال ۱۱۷۳ ه.ق. فوت کرده است.

مهمترین آثاری که از وی به جا مانده علاوه بر جهانگشای نادری، عبارتند از درهٔ نادره، سنگلاخ، مبنای اللغة و منشآت.

درهٔ نادره تقریباً دارای همان مطالب تاریخ جهانگشای نادری است، جز اینکه در مورد استیلاي افغانه بر ایران با تفصیل بیشتری سخن گفته است و نثر متکلف و مصنوع و پیچیدهٔ آن توجه بسیاری از اهل ادب و تاریخ را به خود جلب کرده است.

سنگلاخ، لغتنامه‌ای ترکی است و میرزا مهدی در دیباچه آن گفته: چون از جوانی دیوان امیرعلیشیر نوایی را مرور کرده بر آن شده که معانی واژه‌های ترکی آن را توضیح دهد و به همین خاطر این کتاب رانگاشته است.^۹

مبنای اللغة پیش‌گفتاری است که برای کتاب سنگلاخ در لغت ترکی نگاشته و آن به سال ۱۹۱۰ در بمبئی به طبع رسیده است.^{۱۰} این دو کتاب اخیر در حقیقت متمم یکدیگرند. مبنای اللغة جزئی از سنگلاخ و در حقیقت فصلی از آن تلقی می‌شود. همان گونه که مبنای اللغة به بحث‌های لغوی اعتنا کرده، سنگلاخ هم به تأملات دستوری پرداخته است.

از منشآت میرزا یک نسخه در کتابخانه ملی پاریس دیده شده و آن مجموعه‌ای است از بیشتر نامه‌هایی که به قلم او نگارش یافته است. این مجموعه مشتمل بر عروسی‌نامه رضاقلی میرزا پسر نادر قلی افشار و نامه‌های متعدد دولتی، سلطانی، اخوانی و شخصی است.^{۱۱}

نقد و بررسی:

تاریخ جهانگشای نادری حاوی اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ رخداد‌های زمان افشاریه، از جمله حوادث مربوط به شورش افغانه و استیلاي آنها بر اصفهان، سانحه هرات، آشوب‌های مختلف، شرح حوادث شوراي مغان و به سلطنت رسیدن نادر و حوادث مختلف زمان او و ذکر مختصری از سلطنت علی قلی خان و ابراهیم خان و حوادث زمان ایشان است.

در این کتاب همه چیز حول محور نادر است. میرزا پیروزی‌های جنگی نادر را می‌ستاید، ولی از ذکر ناکامی‌های او اجتناب می‌کند.

حماسه‌های قهرمانانه ارتش نادر در صحنه‌های مختلف پیکار بامتجاوزان خارجی، میرزامهدی را چنان بر سر ذوق می‌آورد که گویی فردوسی عرصه نثر است که دگر باره حدیث رستم را ساز می‌کند و تفصیلی تازه از شجاعت‌ها و شهامت‌های مردی دلیر و جنگجورا به روی کاغذ می‌آورد

مهمترین آثاری که از میرزا مهدی خان استرآبادی به جای مانده علاوه بر جهانگشای نادری، عبارتند از: دره نادر، سنگلاخ، مبنای اللغة و منشآت

البته شاید این تعریف و تمجیدها ناشی از میهن‌دوستی میرزا بوده، چرا که به حکایت دفتر روزانه نمایندگی هند شرقی انگلیس در بندرعباس او از شریفترین مردان روزگار خود بوده و تحت هیچ عنوانی حاضر به قبول رشوه از هیچ مقام و دستگاهی نشده است.^{۱۴} کتاب جهانگشای نادری مکمل کتاب دره نادره است. احاطه کامل میرزا به زبان ترکی و تقلید او از متن کتاب و صاف الحضره^{۱۵} باعث استفاده از کلمات ترکی و مغولی بی‌شماری در این کتاب شده است، تا جایی که اسامی سال‌ها را در سرفصل‌ها به صورت ترکی - مغولی نوشته است. مانند: سال اودئیل، قوی نیل، تخاقوی نیل و... که هر کدام از این اسامی مظهر و نماد یک حیوان یا به عبارت بهتر اسامی حیوانات دوازده گانه تقویم اویغوری است. اسم کتاب هم تقلیدی از جهانگشای جوینی است.

این اثر یک منبع دست اول برای زمان افشاریه و به خصوص حوادث زمان نادر است. به عبارت دیگر این کتاب از لحاظ نوع تاریخنگاری یک کتاب سلاطینی یا سلسله‌ای است. میرزا در نوشتن این کتاب صرفاً یک وقایع نگار است نه تحلیلگر، اما وقایع نگاری که بر قلم چیرگی کامل دارد. تأیید این سخن کلام خود میرزا در مقدمه کتاب جهانگشا است. او در مقدمه کتاب، خود را از «چاکران حضور و به ضبط وقایع مامور»^{۱۶} توصیف می‌کند.

از توضیحات جهانگشا درمی‌یابیم که میرزا هیچ‌گاه از دسترس نادر دور نبوده و همه جا سردار ممدوح خراسانی را همراهی کرده است. اطلاعاتی که از جزئیات امور مهم و تصمیم‌گیری‌های سریع نادر-رکن قدرتی جامعه - ارائه می‌دهد، نشانگر حضور او در متن حوادث بوده است، برخلاف محمد کاظم مروزی که اخبار را از کسان و مرتبطان و روابیان دور و نزدیک کسب می‌کرد. میرزا همگام سپهسالار است که می‌بیند دشمنان مغرور غافل ایران همه جا از دم شمشیر دلاوران ایرانی می‌گریزند و در مقابل حملات مداوم ارتش نادری فوج فوج روی به هزیمت می‌نهند. کلمات او از شعف و سرور آکنده است، آنگاه که از سرعت عمل و غافلگیری نادری سخن می‌گوید و یا به وضع آشفته ترک‌ها می‌پردازد: «رومیه به محض ظهور اشعه ماهچه لوای جهانتاب به سمت فرار عنانتاب شده، بعد از طی یک فرسخ مسافت، گرد عظیمی که آثار فرار رومیه بود از دامنه کوه سرخاب، که در حوالی تبریز واقع است، ارتفاع یافت...»^{۱۷}

حماسه‌های قهرمانانه ارتش نادر در صحنه‌های مختلف پیکار بامتجاوزان خارجی، میرزا مهدی را چنان بر سر ذوق می‌آورد که گویی فردوسی عرصه نثر است که دگر باره حدیث رستم را ساز می‌کند و تفصیلی تازه از شجاعت‌ها و شهامت‌های مردی دلیر و جنگجورا به روی کاغذ می‌آورد.

به نظر می‌رسد ارادت و تعصب میرزا نسبت به نادر قلبی بوده است، چرا که لحن کلام میرزامهدی در خلال ادوارش ساله‌ای که از کور کردن رضا قلی میرزا و در نهایت آغاز سریع انحطاط روحی نادر شروع شده و تا پایان زندگی می‌رسید، سخت محتاطانه و بی‌هویت و بی‌چهره است، ولی در همان حال از دقایق ادبی و فطانت سیاسی خالی نیست.

او پیش آمده‌های این سال‌ها را به تلخی یاد می‌کند و از تفصیل آنها درمی‌گذرد. بسیاری از وقایع ناگواری چون سرکشی میرزاتقی خان شیرازی را با سردی می‌نگرد و از حوصلتی که در تبیین حوادث و تحلیل امور داشت و مخمر روحش می‌نمود، چشم می‌پوشد. حتی نوروهای شکوهمند را که علی‌القاعده خوب و زیبا تحویل می‌گرفت. در این دوره با اندوه و درد پذیرا می‌شود و چون اظهار ملال را چندان جایز نمی‌بیند و مطلوب نمی‌شمارد، لا محاله از حوادث بی‌هویت می‌گذرد. اساس کار همان ادب‌حال نادر و برگشت روزگار ملت است که فداکاری‌های بی‌شمار را بی‌حاصل نموده و امید خود را در دل‌ها زایل کرده است.

بی‌گمان فقط قدرت درک و توان توصیف مؤلف است که به نکاتی ریز متمایل شده و شرح زندگانی پر درد مردی سختکوش و غیور و دلاور را ارائه داده است. شاید از جمله عوامل اساسی موفقیت نادر در سیاست خارجی همین تکیه بر دانایی و بصیرت میرزا مهدی باشد. نقش صریح میرزا در حل معضلات موجود با عثمانی و نامه‌هایی که در موارد متعدد تهیه و تدوین کرده برای این ادعا کافی است.

سخنان میرزا در این کتاب از صلابت و انسجام خاصی برخوردار است. سیاق کلام او جز در بعضی مراسم‌های دوستانه همیشه بر جد است و هزل در آن راه ندارد. در عین حال میرزا و دیگر همکاران مخلص او باید به نادر ثابت می‌کردند که در برابر او هیچ‌اند و آن هیچ را فقط در کنار شوکت و حشمت انکارناپذیر وی احساس می‌کنند. اسلوب کلام میرزا در جهانگشا با غوامضی عجیب است که هر کس فهم سخن نمی‌کند. شاید این امر به حریم مقبول و جا افتاده و سنتی اهل قلم و خاصه میرزایان برگردد، و شاید این حرف آقای کریم کشاورز در مورد نثر دره نادره بی‌سبب نباشد جایی که می‌گوید: «نثری که فرسنگ‌ها از زبان مردم عادی دور و خواص جز به یاری فرهنگ لغت و حدس و گمان از دریافت آن عاجزند و بعد از تاریخ و صاف که میرزا شیوه آن را تقلید کرده است نمونه کاملی است از آنکه چگونه نباید نوشت.»^{۱۸} البته این حرف کریم کشاورز تا حدود کمتری در مورد نثر جهانگشانیز صدق می‌کند.

ذکر پیشامدهای سفر نظامی نادر به هند و جزئیات وقایعی که

میرزا مهدی خان در خلال کتاب جهانگشا و در حین سفر نظامی به هند، گاه اشارات و کنایات متعددی به احوال اجتماعی مردم دارد که حاکی از دقت علمی اوست. البته این امر کتاب او را در زمینه سلف صالحش ابوریحان بیرونی قرار نمی‌دهد

تاریخ جهانگشای نادری

میرزا محمد مهدی استرآبادی

تاریخ جهانگشا، ۱۳۱۳ ه. ق.

بیت‌القدس، بیروت

میرزا مهدی خان

استرآبادی بزرگترین منشی و نویسنده عهد افشاری در ایران بوده و سبک او در انشاء، ادامه روش مترسلان و مؤلفان متصنّف قرن‌های هفتم و هشتم هجری خاصه «وصاف الحضرة» است

جدید و قدیم بی‌شمار، فارسی، عربی، ترکی، مغولی و نیز از لحاظ سبک‌شناسی و سطح آوایی استفاده از جملات کوتاه و استفاده از افعال بی‌شمار موزون، صبغه ادبی خاصی به این کتاب بخشیده است. گاهی اوقات خواننده در خواندن بعضی از مطالب کتاب احساس می‌کند مشغول خواندن شعر جدید است، جایی که میرزا به مناسبت اوضاع مشوش اصفهان مقارن حمله افغان‌ها می‌گوید: «شکر لبان به جای ریزه قند نباتات می‌خائیدند، به هوس میوه دامن از نخل زندگانی برمی‌چیدند، به یاد انگور خاک پای درخت تاک را از یک میل راه چون توتیای غوره به چشم می‌کشیدند، کسانی که از جامه ابریشمی تن می‌پوشیدند چون کرم پيله برگ خوردن تیندند»^{۲۳}، این احساس موزون بیشتر تشدید می‌شود.

از میان تمام آثار، مهدی خان، تاریخ جهانگشای نادری یا تاریخ نادری بیشتر از همه در شرق و در اروپا مورد توجه واقع شده است^{۲۴} و به زبان‌های فرانسوی، انگلیسی و آلمانی ترجمه شده و چند بار در تبریز و تهران و بمبئی به طبع رسیده است. در بعضی از نسخ این کتاب خاتمه‌ای به نام محمد حسین رئیس ایل قاجار افزوده شده که تاریخ ۱۱۷۱ ه. ق. را دارد و این قسمت در ترجمه فرانسوی کتاب هم دیده شده است.^{۲۵}

از بررسی کتاب جهانگشا درمی‌یابیم که میرزا مهدی به زبان عربی احاطه کامل داشته است. مؤید این سخن تسلط انکارناپذیر او بر کلام قرآن است. گویی تمام متن آیات مبارک و سوره‌های قرآن را در ذهن دارد و در همه موارد تکیه و تأکید صحیح و قاطع را بر سخن الهی و احادیث می‌گذارد: «هر چند ظل اللّهی به ملاحظه پاس دولت صفویه بیشتر در مقام منع و تأدیب آن جماعت به حرکت آمده ایشان به مفاد [و ما یَنْفَعُکُمْ نَصْحِیْ اِنْ اَرَدْتِ اَنْصَحْ لَکُمْ] بعد از این اقتدار...»^{۲۶}. میرزا بی‌گمان مسلمانی متعبد و شیعه‌ای معتقد بوده است، چون در این کتاب به مطالبی اشاره کرده، که خاص شیعیان است و حتی در بهره‌مندی از آیات سوره مبارکه برائت نیز به گونه‌ای عمل کرده است که اعتقاد صافی خود و حاکم با اقتدار ایران را با موازین عقیدتی شیعی نشان دهد.

توانایی خاص میرزا در پیوند رزم و بزم در این کتاب فوق‌العاده است: «در چهاردهم شوال در هنگامی که خطه دلگشای شیراز مقر کوبه ظفر بود، خسرو فلک اورنگ اعنی منوچهر چهره به ایوان حمل خرامیده و بر تخت سپهر برآمد، کوبه سلطان بهار به عزم جهانگیری نهضت نموده...»^{۲۷}.

اوج کلام و جزالت و پختگی صوری و معنوی سخن مؤلف جهانگشا در وثیقه‌نامه‌ای است که به عنوان حرف‌آخرنادر در مسائل مذهبی ذکر شده است. متن وثیقه‌نامه از صفحه ۴۹۳ تا ۴۹۹ کتاب

اخبار آن از داخله ایران به دربار متحرک نادری می‌رسید، بخشی از جهانگشا را در برمی‌گیرد. بر اساس معمول مؤلف حکم گنجور نقه‌ای را داشت که ملزم و موظف بود از آگاهی‌های دست اول استفاده کند و کتاب خود را از اطلاعات دقیق بپاراید.

میرزا در خلال کتاب و در حین سفر نظامی به هند گاه اشارات و کنایات متعددی به احوال اجتماعی مردم دارد که حاکی از دقت علمی اوست. البته این امر کتاب او را در ردیف سلف صالحش ابوریحان بیرونی قرار نمی‌دهد. زیرا ابوریحان در رکاب محمود غزنوی به هند عزیمت کرد و تحقیق جامع و بی‌نظیر خود مآللهند را نوشت و بی‌شائبه از نکات اجتماعی، مذهبی، و سیاسی متعدد بحث کرد که برای محققان احوال آن روز مردم شبه قاره، سخت مفید است. میرزا بی‌آنکه گمان سوئی در خاطر راه دهد چنان می‌انگارد که حق اقوی حکم می‌کند که آنچه در تملک طرف ضعیف است به زبر دست تعلق دارد و بر همین اساس ضبط خزائن هند را از سوی نادر امری عادی و منطقی و حق تلقی می‌کند.

مطالب جهانگشا بر اساس موضوع و ترتیب زمانی آنها، یعنی بر اساس زمان وقوع تنظیم شده‌اند. میرزا در ابتدای هر فصل و حادثه می‌نویسد: در بیان حوادث سال...، در ذکر حوادث سال... و یادرتمیم حوادث سال...^{۲۸} در واقع میرزا به این سه کلمه «در بیان»، «در ذکر»، «درتمیم» علاقه‌ای خاص دارد.

او بر عکس سرتیترها که اسامی سال‌ها را به صورت ترکی - مغولی نوشته، در داخل متن اسامی ماه‌ها و سال‌ها را به صورت عربی آورده است: «سنه، ربیع‌الاول»^{۲۹} که به نظر می‌رسد این کار یک روش معمول در تاریخ‌نگاری آن زمان بوده است. محرز است که میرزا مهدی استرآبادی از استعداد شاعری قابل‌اعتنائی برخوردار بوده است و مانند دیگر صاحبان قلم روزگار خود، گاه گاه ابیاتی نیز می‌سروده است:

هر دم از این باغ بری می‌رسد

تازه‌تر از تازه‌تری می‌رسد^{۳۱}

از آنجا که امپراتوری عثمانی بر ویرانه تمدن بیزانس (روم شرقی) ایجاد شده بود، میرزا در این کتاب هر جا کلمه روم یا رومیه را به کار برده، منظورش همان دولت عثمانی است: «نبرد با پادشاهان روم»^{۳۲}.

کتاب جهانگشای نادری گذشته از اهمیتش، به عنوان مشهورترین منبع تاریخ احوال نادرشاه، از لحاظ ادبیات دارای اهمیت ویژه‌ای است:

به‌کارگیری ثر فنی و مصنوع و آکنده از صنایع مختلف جناس، تضاد، مراعات نظیر و همچنین از لحاظ سطح لغوی استفاده از لغات

**میرزا مهدی خان
استرآبادی در نوشتن
کتاب «جهانگشای
نادری» صرفاً یک
وقایع نگار است نه
تحلیل گر، اما وقایع
نگاری که بر قلم چیرگی
کامل دارد**

جهانگشادرج شده است.

در بررسی این کتاب متوجه می شویم که میرزا در ابتدای بعضی از فصل ها با ظرافت خاصی مقدمه چینی می کند. در واقع او موضوعی را که می توانست در دوسطر بنویسد با تفصیل و با جملات کوتاه و بی شمار ذکر نموده و با این کار فهم کتاب را بیش از حد مشکل ساخته است. به این جملات دقت کنید: «بعضی از دلیران مجالح صولت در مجال حرب و بلواج رزم به مجالحت و مکالحت مشتغل برخی از کفاح و نفاع منتقل گردیدند و در آن ملجمه به ضروب ابطال رارقم ابطال بر صحیفه هستی کشیده پیلتن عثمانی از سرکش پهلو زد و در زیر پای داور دارا درایت سکندری یافت که ان الجواد قدیکبو و جنابش از سماء بر زمین آمد». میرزا ضمن این همه جمله می خواسته بگوید که بعضی از سربازان نادری - در جنگ با عثمانیان - کشته شدند و اسب نادر سکندری رفت و سوار یعنی نادر از پشت آن افتاد.

این نکته را در آثار میرزا و همچنین جهانگشا می توان دید که به اقتضای بزرگان ادب و تاریخ پیشین رفته و از کتبی همانند تاریخ و صاف، مرزبان نامه، کلیله و دمنه و نفعه المصدور پیروی کرده و باز سبک سخن و اسلوب کلام او در آثار متأخرین چون محمد صادق نامی، گلستانه، معتمدالدوله نشاط، قائم مقام و برخی دیگر نفوذ نموده است. این گونه تأثیرات کما بیش تا ظهور نویسندگان جدید و به ویژه متفکران صاحب قلم مشروطیت برقرار مانده است و تنها با تحولات اساسی و پرمایه ای که پس از این زمان در نثر و نظم فارسی پدیدار شده، به مرور رنگ باخته و جا به ساده نویسان و همه فهم نویسان سپرده است.^{۲۸}

افزودن فصل آخر کتاب جهانگشا، «در بیان کارخاقان غفران مآب و کیفیت قتل او با اولاد و اعقاب» و نیز «در بیان سلطنت علیشاه و ابراهیم شاه و خاتمه کار ایشان»^{۲۹} با این توضیح همراه است که «لذا هرگاه صاحب دلی به هم رسد مقدمات بعد از دولت نادری و کیفیت آشوب و فتنه آن زمان را که از حد و حصر افزون و تقدیر آن از حوصله زبان قلم بیرون است تحریر خواهد نمود»^{۳۰}. معلوم است که چنان صاحب دلی به هم نرسیده و آن سان توفیقی دیگر هیچ گاه دست نداده است.

پی نوشت ها:

۱- میرزا مهدی خان استرآبادی، جهانگشای نادری، تهران، دنیای کتاب، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۶؛ به عنوان نمونه: «لهدذا نگارنده این شرف نامه دلپذیر و طرازنده این تاریخ بی نظیر محمد مهدی ابن نصیر استرآبادی...».

- ۲- رضا شعبانی، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، جلد ۲، تهران، نوین، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۱۶۰.
- ۳- میرزا مهدی خان استرآبادی: پیشین، ص ۱۴۳.
- ۴- رضا شعبانی، پیشین، ص ۱۶۳.
- ۵- «همان»، ص ۱۶۶.
- ۶- محمد کاظم مروزی، عالم آرای نادری، جلد دو، تهران، نشر علم، با تصحیح محمد امین ریاحی، چاپ دوم، ص ۴۵۷.
- ۷- ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۵، تهران، انتشارات فردوس، چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۱۰۸۵.
- ۸- رضا شعبانی، پیشین، ص ۱۵۹.
- ۹- ذبیح الله صفا، پیشین، ص ۱۰۸۹.
- ۱۰- همان، ص ۱۸۱۰.
- ۱۱- همان، ص ۱۸۰۸.
- ۱۲- میرزا مهدی خان استرآبادی، پیشین، ص ۴۲۱.
- ۱۳- به عنوان نمونه: میرزا مهدی خان استرآبادی، پیشین، ص ۱.
- ۱۴- آرنو نوا، نقدی بردولت نادرشاه افشار، مجله دانشکده ادبیات، مشهد، ۱۳۶۲، شماره ۱۶، ص ۵۲.
- ۱۵- محمد تقی بهار، سبک شناسی، جلد ۳، تهران، امیرکبیر چاپ هشتم، ۱۳۷۵، ص ۳۱۰.
- ۱۶- میرزا مهدی خان استرآبادی، پیشین، ص ۶.
- ۱۷- همان، ص ۱۷۱.
- ۱۸- کریم کشاورز، هزار سال نثر فارسی، جلد ۲، تهران، شرکت سهامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۱، ص ۱۲۰۲.
- ۱۹- به عنوان نمونه: میرزا مهدی خان استرآبادی، پیشین، در ابتدای هر موضوع.
- ۲۰- به عنوان نمونه، همان، ص ۳۱.
- ۲۱- به عنوان نمونه، همان، ص ۱۰۸.
- ۲۲- به عنوان نمونه، همان، ص ۱۶۹.
- ۲۳- به عنوان نمونه، همان، ص ۱۹.
- ۲۴- آرنو نوا، پیشین، ص ۲۰.
- ۲۵- ذبیح الله صفا، پیشین، ص ۱۸۰۶.
- ۲۶- به عنوان نمونه: میرزا مهدی خان استرآبادی، پیشین، ص ۱۰۵.

۲۷- به عنوان نمونه، همان، ص ۲۹۴.

۲۸- رضا شعبانی، پیشین، ص ۲۱۷ و ۲۱۸.

۲۹- میرزا مهدی خان استرآبادی، پیشین، ص ۵۴۴.

۳۰- همان، ص ۵۴۹.